



رابطه عاطفی با نبی رحمت

کلمه عبدالاحد حنفی
مدرس درالعلوم زاهدان

احترام انسانیّت

قبل از ظهور اسلام انسان به عناوین مختلفی مورد تحقیر قرار می گرفت. گاهی خودش اسباب تحقیر و خواری خود را مهیای می کرد و با فراموش کردن عظمت و کرامت انسانی، خود را به پای بتهای خود ساخته می انداخت و شخصیت خود را در مقابل آنها خورد می کرد. گاهی با زنده به گور کردن دختران بدترین نوع تذلیل انسانی را به نمایش می گذاشت و زمانی با شراب خواری و از دست دادن عقل و هوش، خود را از بام شرف انسانیّت به پایین پرت می کرد و در هر دو صورت مرتکب انواع جرائم اجتماعی می شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با بیان توحید الهی انسان را با مقام والای انسانیّت آشنا ساخت و در این راستا زحمات و مشکلاتی را متحمل شد که انسانهای عادی از تصور آن نیز بیم دارند. همچنین در پرتو دستورات الهی، قانونی برای جامعه بشری وضع فرمود و با تحریم حکیمانانه شراب و ممنوعیت زنده به گور کردن دختران شرف و عزت پامال شده انسان را به او باز گرداند. در مسئله غلامی و بردگی نیز رسول اکرم صلی الله علیه وسلم روش حکیمانانه ای را اختیار فرمود و اول دستور به شفقت و دلسوزی با غلامان داد و به این وسیله دیوار تنفر بین آقا و غلام را از میان برداشت، و سپس با تشویقهای مستمر

الحمد لله و الصلوة و السلام علی رسول الله؛

بی تردید یکی از بزرگترین نعمتهایی که خداوند به انسانها ارزانی فرمود، فرستادن پیامبران برای راهنمایی بشر بود. همچنین امت آخر زمان را مورد عنایت بیشتری قرار داد و خاتم مرسلان و سردار پیامبران را برای ارشاد این امت برگزید، پیامبری که بعثت پربرکتش تمام کائنات را نور باران کرد و ثمرات و نتایج بسیار مثبت و دیرپایی را برای تمام مخلوقات به ارمغان آورد. خداوند تبارک و تعالی در این باره می فرماید:

«لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة و ان كانوا من قبل لفی ضلال مبین»^(۱)؛ خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خود آنها در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات خدا را تلاوت کند و نفوس آنان را از هر نقص و آلایش پاک گرداند و به آنها احکام شریعت و حقایق حکمت بیاموزد، هر آنچه از آن پیش گمراهی آنان آشکار بود.

اگر انسان ماده پرستی را کنار گذاشته و معنویت را در خودش غالب گرداند بسووضوح در می یابد که بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و وجود ایشان بزرگترین نعمتی است که خداوند با آن تمام اهل جهان را مورد عنایت قرار داده است؛ با یک بررسی مختصر این حقیقت ثابت می شود.

محبوب خدا

رسول خدا صلی الله علیه وسلم در میان همه مخلوقات دنیا از همه بیشتر محبوب خداوند کریم هستند. خداوند از بین همه انسانها اعم از انبیاء و دیگران فقط به زندگی و جان پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم قسم یاد فرموده است که این خود دلیل بر محبوبیت ایشان نزد خداوند می باشد. در سوره حجر ارشاد می فرماید: «لعمرك انهم لفی سكرتهم یعمهون»^(۱)؛ (ای محمد) بجان تو قسم که این مردم دنیا همیشه مست شهوات نفسانی خواهند بود.

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنهما در تفسیر این آیه می فرماید:

«خداوند هیچ کسی را خلق نکرد که در نگاهش محترم تر از پیامبر باشد و به همین دلیل به زندگی هیچ فردی غیر از پیامبر قسم یاد نکرد»^(۲).

در جایی دیگر به شهر مکه که محل سکونت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بوده قسم یاد می کند:

«لا أقسم بهذا البذ و انت حل بهذا البلد»^(۳)؛ سوگند به این شهر (مکه معظمه) و حال آنکه تو (ای رسول) در این شهر سکونت داری.

و به همین علت خداوند بر همه مسلمانان لازم قرار داد که با پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم محبت و عشق بورزند، تا جایی که ذات پر انوار حضرت رسول صلی الله علیه وسلم را بر تمام کائنات ترجیح داده و ایشان را از تمام اهل دنیا بیشتر دوست بدارند، و تازمانی که این احساس در کسی پیدانشود ایمانش کامل نخواهد شد.

الله عزوجل در این باره می فرماید:

«قل ان كان اباؤکم و ابناؤکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترتموها و تجارة تخشون کسلاها و مسکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبیلہ فترصوا حتی یأتی الله بامرہ و الله لایهدی القوم الفاسقین»^(۴)؛ (ای رسول ما) بگو امت را که ای مردم اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود را و اموالی که جمع کرده اید و اموال تجارت که از کسادی آن بیمناک اید و منازل (عالی) که به آن دلخوش شده اید، بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست می دارید، منتظر باشید تا امر نافذ و (قضای حتمی) خدا جاری گردد؛ و خداوند

پیامبر صلی الله علیه وسلم مردم داوطلبانه شروع به آزاد کردن غلامان خود کردند که این عمل خود منت بسیار بزرگی بر بشر و گام مؤثری در این از بین رفتن مسئله بردگی به حساب می آید.

پیامبر صلی الله علیه وسلم تمام تعصبات قومی و قبیله ای و امتیازات نسل و رنگ را ریشه کن نمود و با این کار یکی دیگر از عوامل مهم ذلت بشر را از میان برداشت.

از سوی دیگر با تعلیمات رسول خدا صلی الله علیه وسلم شخصیت و جایگاه حقیقی زن در جامعه شناخته شد و زن که قبل از اسلام مانند زر و زمین جزء ملکیت و دارایی مرد به شمار می آمد و در بعضی مذاهب و ادیان فقط وسیله لذت جویی بود، بعد از اسلام به مقام بلند و رفیع «مادر» صعود می کند و رسول خدا صلی الله علیه وسلم در موردش می فرماید که جنت زیر پای مادران است؛ به مقام «همسر» می رسد و در احادیث زیادی راجع به رعایت حقوق همسر تاکید شده است؛ به مقام بلند «دختر» می رسد و رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرماید هر کس دو دختر داشته باشد و آنها را خوب تربیت کند و همسران خوبی برایشان انتخاب کند به جنت خواهد رفت.

اجرای عدالت

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم برای اجرای عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه برنامه هایی پیاده و تجویز کرد که عقل و تجربه انسانها از رسیدن به آنها عاجز بود.

اگر خواسته باشیم در مورد تمام ارمغانهای جهانی و جاویدان بعثت رسول خدا صلی الله علیه وسلم سخن بگوئیم بحث به درازا خواهد کشید، پس برای نمونه به همین چند مورد بالا اکتفا می کنیم و به بحث اصلی مورد نظر در این نوشتار می پردازیم و آن اینکه شخصیتی که وجود مبارک و انورش این همه باعث خیر و برکت برای بشریت بوده، حقوقی نیز بر گردن انسانها به خصوص مسلمانان دارد؛ نیز بر گردن انسانها به خصوص مسلمانان دارد؛ یکی از این حقوق استحکام بخشیدن به رابطه عاطفی خود با پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می باشد.

خداوند از

بین همه

انسانها اعم از

انبیاء و

دیگران فقط

به زندگی و

جان پیامبر

اکرم صلی الله

علیه وسلم

قسم یاد

فرموده است

که این خود

دلیل بر

محبوبیت

ایشان نزد

خداوند

می باشد.

فساق و بدکاران را هدایت نخواهد کرد.

مولانا مفتی محمد شفیع رحمہ اللہ در تفسیر این آیه می فرماید:

«در این آیه روی سخن مستقیماً با کسانی است که با وجود فرض شدن هجرت نتوانستند بر روابط دنیوی خود غالب آیند و در مقابل حکم خداوند، مغلوب احساسات و عواطف مادی و دنیوی قرار گرفتند. ولی عموم الفاظ این آیه به تمام مسلمانان دستور می دهد که محبت خدا و رسولش را طوری در قلبهای خود جای دهند که محبت هیچ چیز و هیچ کس دیگری بر آن غالب نیاید و هر کسی که این اندازه محبت در قلب خود پیدا نکرد مستحق عذاب خواهد بود و باید منتظر گرفت خداوند باشد.»^{۱۰}

پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم نیز در احادیث مختلفی به لزوم این رابطه عاطفی بین خود و امت اشاره فرموده و آن را مکمل ایمان قرار داده است. از حضرت انس رضی اللہ عنہ روایت است که رسول خدا فرمودند: «لایومن احدکم حتی اکون احب الیه من والده و ولده و الناس اجمعین»؛ «هیچ کس از شما مؤمن کامل نخواهد بود تا زمانی که من از پدرش و فرزندانش و تمام مردم در نظر او محبوب تر نباشم.

حضرت عمر رضی اللہ عنہ دست در دست پیامبر گذاشته بود و گفت: «لانت احب الی من کل شیء الا نفسی یا رسول اللہ»؛ ای رسول خدا یقیناً شما غیر از خودم از هر چیز و هر کس دیگر نزد من محبوب تر هستید. اما پیامبر فرمودند: قسم به آنکه روح من در دست قدرت اوست تا وقتی که من از خودت نیز نزد تو محبوب تر نباشم ایمان تو کامل نخواهد بود. حضرت عمر رضی اللہ عنہ با اندکی فکر گفت: ای رسول خدا حالا شما از خود من نیز نزد من محبوب تر هستید. پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «الان یا عمر»؛ ای عمر حالا ایمان تو کامل شد.

البته ذکر این نکته لازم است که خداوند هیچ انسانی را مکلف به کاری که از قدرت او خارج باشد نمی کند، و محبت نیز که عمل قلب است در اختیار و تصرف انسان نیست، به همین علت علما می فرمایند که مراد از محبت با رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم که در آیات و احادیث ذکر شده است، محبت اختیاری

است نه غیر اختیاری؛ یعنی ممکن است احساسات و عواطف کسی به طور غیر اختیاری با فرزندانش بیشتر باشد ولی هر جا که این احساسات و عواطف در مقابل دستورات رسول خدا قرار می گیرند و مانع عمل کردن به رهنمودهای پیامبر می شوند، آن شخص همه چیز را فدای حکم خدا و رسول می کند و محبت پدری و فرزندانی را نادیده می گیرد.

به عبارتی دیگر می توان گفت که مراد محبت عقلی است نه محبت طبعی، یعنی عقل انسان تقاضای کند که محبت رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم باید از محبت همه دنیا بیشتر باشد، زیرا دو چیز سبب محبت می شوند یکی جمال و دیگری کمال و این دو چیز به طوری کامل و به نحو احسن فقط در وجود پربرکت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم دیده می شود. چنانکه یکی از صحابه می فرماید: در شب چهاردهم ماه، به قرص ماه و صورت پر نور پیامبر می نگریستم و یقین کردم که صورت رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم خیلی زیباتر از قرص ماه است. از نظر کمال نیز تاریخ بشر هیچ شخصیتی را بالاتر و جامع تر از پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بیاد ندارد. لذا به مقتضای عقل، محبت با پیامبر باید بیشتر از محبت با تمام دنیا باشد.

علائم و نشانه های محبت

مسلمان باید محبت واقعی و عشق حقیقی نسبت به پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را در قلب خود پیدا کند. نه این که فقط با زبان ادعای محبت کند و در عمل هیچ اثری از آن وجود نداشته باشد. زیرا چنین محبت زبانی بی در نزد خداوند معتبر نیست و او از احوال قلب انسان خوب آگاه است.

محبت و عشق واقعی و قلبی علائمی دارد که بوسیله آن می توان به وجود این احساس روانی پی برد و ما به طور نمونه بعضی از این علائم را یادآور می شویم:

۱- پیروی کامل

از جمله آثار محبت با حضرت رسول صلی اللہ علیہ وسلم اتباع کامل و پیروی دقیق از تعلیمات نبوی است. بی تردید کسی که ادعای محب و عاشق بودن می کند ولی گفته های محبوب و معشوق در نظرش

☑ هیچ کس از شما مؤمن کامل نخواهد بود تا زمانی که من از پدرش و فرزندانش و تمام مردم در نظر او محبوب تر نباشم.

اهمیتی ندارد و به دستورات او توجهی نمی کند از نظر هر شخص عاقلی دروغ گو و مدعی عشق دروغین می باشد.
به قول شاعر:

تعصی الرسول و انت تظهر حبه
هذا لعمری فی الفعال بدیع
لو کان حبک صادقاً لاطعته
ان المحب لمن یحب مطیع

قسم به جان خودم خیلی عجیب است که اظهار محبت با پیامبر رومی کنی در حالی که دستورات ایشان را بجا نمی آوری؛ اگر محبت تو واقعی می بود از او پیروی می کردی زیرا محب و عاشق همیشه فرمانبردار محبوب خود است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»^(۸)؛ ای اهل ایمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) را اطاعت کنید.

در این آیه برای پیروی از دستورات رسول لفظ «اطیعوا» را دوباره ذکر فرموده تا اهمیت اتباع از پیامبر را روشن سازد.

صحابه و محبان واقعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به جهت عشق حقیقی بی که با حضرت رسول داشتند هیچ وقت در انجام فرمان پیامبر و اتباع کامل از روش زندگی ایشان تردیدی به خود راه نمی دادند.

مسئله تحویل قبله و تحریم شراب و صدها نمونه دیگر شاهد این مدعا می باشند. آنها حتی حاضر نبودند که کوچک ترین عادت طبعی پیامبر را نیز ترک کنند. زمانی که حضرت حدیفه بن یمان رضی الله عنه همراه هیئتی برای مذاکره با کسری، امپراطور بزرگ ایران، به دربارش رفته بودند، در وقت غذا خوردن لقمه ای از دست حدیفه به پایین افتاد و حضرت حدیفه رضی الله عنه طبق دستور و تربیت پیامبر صلی الله علیه و سلم خواستند آن لقمه را که رزق الهی است بردارند، شخصی اشاره کرد که این کار خلاف آداب مجلس کسری است. حضرت حدیفه جمله ای فرمود که با آن غرور آن شاه بزرگ را به خاک مالید، فرمود:

«الترک سنه رسول صلی الله علیه و سلم لهؤلاء الحمقی؟»؛ آیا به خاطر این نادانان سنت حبیب خود را ترک کنم؟ رسول خدا صلی الله علیه و سلم در مسجد نبوی

مشغول خطبه بودند، چند نفر در کنار دیوار مسجد ایستاده و به ارشادات آن حضرت گوش می دادند، پیامبر خطاب به آنها فرمود که بنشینید، حضرت عبدالله بن مسعود به طرف مسجد می آمد و هنوز وارد نشده بود که صدای پیامبر به گوش ایشان رسید فوراً همان جا نشست. حضرت عبدالله بن مسعود به خوبی می دانست که منظور پیامبر کسانی هستند که داخل مسجد ایستاده هستند ولی اتباع کامل از پیامبر به ایشان اجازه قدم برداشتن نداد.

۲- احترام و تعظیم رسول

محب همیشه احترام خاصی رانسبت به محبوبش در اعماق قلب خود احساس می کند و به هیچ وجه حاضر نیست کلمه ای بر خلاف محبوب خود بشنود و تحمل نماید. او هر عمل و کار محبوب را به دیده تحسین و احترام می نگرد و در حضور و غیاب او عزت و عظمتش را حفظ می کند. لذا یکی از علائم محبت و عشق واقعی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم این است که هر مسلمان در هر موقعیت عظمت و بزرگی حضرت رسول و ادب و احترام نسبت به آن حضرت را حفظ کند و نه تنها این، بلکه هر چیز و هر کسی که به نوعی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم تماس و نسبتی داشته است را به دیده احترام بنگرد و از هر گونه حرف و کاری که منافی تعظیم رسول صلی الله علیه و سلم باشد پرهیزد.

خداوند تبارک و تعالی در آیات زیادی نسبت به احترام و تعظیم رسول صلی الله علیه و سلم تاکید فرموده است: «انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً لتؤمنوا بالله و رسوله و تعزروه و توقروه و تسبحوه بکره و اصیلاً»^(۹)؛ ما تو را به عنوان گواه و مژده رسان و بیم دهند فرستاده ایم (ما محمد را به سوی شما مردمان فرستاده ایم) تا به خدا و پیغمبرش ایمان بیاورید، و خدا را (با یاری دادن دینش) یاری کنید، و او را بزرگ دارید، و سحرگاهان و شامگاهان به تسبیح و تقدیسش پردازید.

بعضی مفسرین هر سه لفظ تسبیح و توقیر و تعزیر (یاری نمودن) را راجع به خداوند کرده اند و بعضی دیگر گفته اند که تسبیح راجع به خداوند و توقیر (تعظیم) و تعزیر راجع به رسول است، که در این

✓ صحابه و

محبان واقعی

پیامبر اکرم (ص)

به جهت عشق

حقیقی بی که

با حضرت

رسول داشتند

هیچ وقت در

انجام فرمان

پیامبر و

اتباع کامل از

روش زندگی

ایشان

تردیدی به

خود راه

نمی دادند.

صورت خداوند به بندگان دستور می دهد که نسبت به مقام والای نبوت و رسالت اظهار احترام کنند.^(۹) در جایی دیگر می فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لاترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی و لاتجهروا له بالقول کجهر بعضکم لبعض ان تحبط اعمالکم و انتم لاتشعرون»^(۱۰)؛ ای اهل ایمان صدای خود را بر صدای پیامبر بلند نکنید که اعمال نیکتان محو و باطل شود و شما نفهمید.

ابن قیم رحمه الله می فرماید که اگر صحبت کردن با صدای بلند با پیامبر می تواند سبب ضایع شدن اعمال نیک انسان شود، پس رأی و عقل خود و سیاست و دانستن خود را برخواسته های پیامبر مقدم داشتن نیز اعمال را از بین می برد.^(۱۱)

در ادامه گفتگوی نرم و آهسته با پیامبر را جزو تقوی قرار داده و می فرماید:

«ان الذین یغضون اصواتهم عند رسول الله اولئک الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی لهم مغفرة و اجر عظیم»^(۱۲)؛ آنانکه نزد رسول خدا به صدای آرام و آهسته سخن می گویند کسانی هستند که در حقیقت خدا دل‌هایشان را برای مقام رفیع تقوی آزموده و آمرزش و اجر عظیم نصیب فرموده است.

حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه بعد از نزول این آیه فرمود: به خدا قسم من از این به بعد مانند کسی که سرگوشی می کند با پیامبر حرف خواهم زد.

مولانا مفتی محمد شفیع رحمه الله به نقل از ابوبکر ابن عربی می فرماید که احترام و ادب پیامبر در زندگی و همچنین بعد از وفات واجب است، لذا صحبت کردن با صدای بلند در مقابل قبر آن حضرت صلی الله علیه وسلم نیز خلاف ادب است.^(۱۳) و مسلمانان باید از آن پرهیز کنند. همچنین احترام رسول خدا صلی الله علیه وسلم تقاضا می کند که در هر مجلسی که گفته ها و احادیث ایشان قرائت می شود، احترام و تعظیم آن مجلس کاملاً رعایت گردد.

همچنین باید با اهل بیت آن حضرت و اصحاب و یاران آن حضرت نیز محبت ورزید و به آنان احترام گذاشت.

عروة بن مسعود ثقفی که در صلح حدیبیه اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیده بود احترام آنها نسبت به پیامبر را این گونه برای قریش به تصویر

می کشد:

«ای قوم! بارها نزد کسری و قیصر رفتم ولی هیچ پادشاهی را ندیدم که این گونه مورد تعظیم درباریان خود قرار گیرد آن گونه که محمد صلی الله علیه وسلم در دلهای اصحاب خود جای گرفته است. اصحاب او آب دهانش را قبل از رسیدن به زمین بر می گیرند؛ زمانی دستور می دهد همگی برای انجام آن می شتابند؛ وقتی وضوء می گیرد برای آب وضویش از هم سبقت می گیرند، گویا بین آنها درگیری رخ خواهد داد؛ با سکوت کامل به سخنانش گوش می دهند و به پاس ادب کسی به او خیره نمی شود.»^(۱۴)

۳- دفاع از سنت رسول

عمل به دستورات نبوی و دفاع از تعلیمات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از دیگر علائم محبت و الفت با پیامبر است. کسی که ادعای عشق رسول را دارد باید در راه نشر برنامه ها و فرامینی که پیامبر از جانب خدا برای سعادت بشریت آورده اند و زحمات طاقت فرسایی را برای آن متحمل شدند، کوشا باشد. طرز زندگی پیامبر را اولاً در تمام زوایای زندگی خود پیاده کند و با عشق به پیامبر به تمام سنتهای نبوی عامل باشد و در مرحله بعد دیگران را به این کار دعوت کند و با حکمت و ملاحظت مردم را از کارهای خلاف سنت باز دارد، و در این راه هر چه بیشتر سعی کند رضایت پیامبر صلی الله علیه وسلم را بیشتر جلب خواهد کرد.

۴- ذکر رسول الله صلی الله علیه وسلم

در باب محبت قانون این است که «من احب شیئاً اکثر ذکرها»؛ کسی که چیزی را دوست دارد به کثرت از آن یاد می کند.

محب همیشه بیاد محبوب است و فکر محبوب هیچ وقت از صفحه ذهنش دور نمی شود و هر وقت ذکر و یاد محبوب بر لبهایش جاری می شود. کسی از مجنون که با چوبی در حال خط کشیدن روی زمین بود پرسید که مشغول چه کاریست، گفت:

نقش نام لیلی می کنم

خاطر خود را تسلی می کنم

پس وقتی انسان در عشق و محبت مجازی و مادی تا

☑ کسی که ادعای عشق رسول را دارد باید در راه نشر برنامه ها و فرامینی که پیامبر از جانب خدا برای سعادت بشریت آورده اند و زحمات طاقت فرسایی را برای آن متحمل شدند، کوشا باشد.

وسلم بینایی خود را از دست داده بود می فرماید: «چشمانم را به خاطر این دوست داشتم که می توانستم با آنها محبوبم حضرت رسول صلی الله علیه وسلم را ببینم، حالا که ایشان در میان ما نیستند هیچ غمی برای از دست رفتن بینایم ندارم»^(۱۶).

حضرت عماره بن زیاد در جنگ احد به شدت زخمی شده بود، در آخرین لحظه های زندگی که با مرگ دست و پنجه نرم می کرد، از ایشان در مورد آخرین آرزوی پرسیده شد، فرمود: آرزوی دیدار حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم را دارم. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بر بالین حضرت عماره حاضر شدند.

حضرت عماره با زحمت بدن خود را به طرف پیامبر کشید و سرش را روی پای رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نهاد و گفت آرزوی من برآورده شد.^(۱۷)

برای ما تهی دستان قسمت، زیارت قبر حضرت رسول صلی الله علیه وسلم باعث تسکین خاطر است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نیز برای تسلی عاشقانی که موفق به دیدار آن حضرت نگشته اند این مژده را بیان فرموده است که:

«من زارنی بعد مماتی فکانما زارنی فی حیاتی»؛ کسی که بعد از مرگم به زیارت من بیاید گویا در زندگی مرا ملاقات کرده است.

بسیاری از عاشقان راستین رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در این زمان نیز هستند که همانند ماهی دور افتاده از آب برای رسیدن به زیارت قبر محبوب حقیقی خود بی تاب هستند و یک لحظه در کنار روضه مبارک بودن برایشان به منزله آب حیات است.

شیخ احمد رفاعی رحمه الله یکی از عاشقان و دلسوخته گان رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با چند تن از اطرافیان به زیارت قبر و روضه مبارک حضرت رسول صلی الله علیه وسلم می رود و با کمال ادب سلام می گوید: «السلام علیک یا جدی»، از روضه اظهر جواب می آید: «و علیک السلام یا ولدی».

شیخ رفاعی در حالت وجد بی اختیار این اشعار را می خواند:

فی حالة البعد روحی کنت ارسلهما
تقبّل الارض عنی و هی نائبتی
فهذه دولة الاشباح قد حضرت
فامد یمینک کی تحظى بها شفتی

این حدیث می رود درباره محبوب حقیقی و واقعی چه حالی باید داشته باشد.

خداوند ذکر پیامبر را عبادت قرار داده و به مسلمانان دستور می دهد که به یاد حضرت رسول باشند و همواره بر او درود بفرستند. روزی پنج مرتبه در اذان که یکی از بزرگترین شعائر دین است نام مبارک حضرت رسول صلی الله علیه وسلم تکرار می شود. در همه نمازها نیز شهادت به رسالت آن حضرت و درود و سلام بر ایشان نیز یادآور همین نکته است که مسلمان نباید هیچ لحظه ای بدون یاد محبوب حقیقی خود باشد. در حدیث نیز آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند هر کسی یک مرتبه بر من درود بفرستد خداوند ده مرتبه رحمت خود را بر او نازل می فرماید.

حکیم الامت مولانا اشرف علی تهانوی رحمه الله می فرماید که اگر ذکر رسول عبادت نمی بود باز هم تقاضای عقل این بود که مسلمان هر وقت یاد حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم را در قلب خود تازه داشته باشد، زیرا ادعای محبت بدون این که یادی از محبوب در خاطر باشد ادعایی دروغین است. و انسان نباید در این مورد هیچ قید و شرطی را بر خود لازم گرداند و ذکر پیامبر را منحصر به مواقع یا مجالس بخصوصی قرار دهد زیرا این رسوم باعث کاهش یاد پیامبر می شوند و بر خلاف قانون محبت است که: «اذا جاءت الالفة رفعت الکلفة»؛ محبت که آمد تکلفها از بین می رود.

پس هر جا و هر وقت باید به یاد محبوب واقعی بود، به قول شاعر:

یک چشم زدن غافل از آن شاه نباشی
شاید نگاهی کند آگاه نباشی

۵- شوق دیدار رسول صلی الله علیه وسلم

یکی دیگر از علائم محبت این است که محب برای دیدار محبوب همیشه بی قرار و بی تاب است و فراقش جانسوز و جانگداز. صحابه کرام چونکه دوستداران و عاشقان واقعی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بودند دیدار و همراهی با حضرت رسول صلی الله علیه وسلم بزرگترین آرزوی آنان بود.

یکی از اصحاب که بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه

☑ اگر ذکر
رسول عبادت
نمی بود باز
هم تقاضای
عقل این بود
که مسلمان هر
وقت یاد
حضرت پیامبر
اکرم (ص) را در
قلب خود
تازه داشته
باشد.

✓ یاری کردن
سنت رسول،
دفاع از
شریعتی که بر
ایشان نازل
شده و تمنای
وجود در عصر
پیامبر برای
فدا شدن با جان
و مال از جمله
علائم محبت با
پیامبر اکرم (ص)
می باشد.

وقتی از شما دور بودم روحم را به نیابت برای بوسه زدن بر آستان شمامی فرستادم، حالا خودم به خدمت رسیدم، پس دست مبارک را دراز کنید تا لبهایم نیز از این نعمت بهره مند گردند.

شاهدین روایت کرده اند که بلافاصله دستی نورانی از قبر بیرون آمد و شیخ بر آن بوسه زد و همانجا بی هوش شد و افتاد.^(۷۸)

حافظ ابن حجر عسقلانی رحمه الله پنج مورد از علائم عشق به رسول الله صلی الله علیه وسلم را چنین بیان می کند:

۱. سعی برای دیدار پیامبر صلی الله علیه وسلم،

۲. حمایت و تأیید سنت رسول اصلی الله علیه وسلم،

۳. دفاع از شریعت،

۴. طرد مخالفین پیامبر صلی الله علیه وسلم،

۵. امر بالمعروف و نهی از منکر^(۷۹).

قاضی عیاض می فرماید: یاری کردن سنت رسول، دفاع از شریعتی که بر ایشان نازل شده و تمنای وجود

در عصر پیامبر برای فدا شدن با جان و مال از جمله

علائم محبت با پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم

می باشد.^(۸۰)

خداوند به لطف و کرم خاص خود دلهای همه مسلمانان را سرشار از محبت ذات یگانه خودش و رسول محبوبش بگرداند.

«آمین»

پیاورقی:

۱- آل عمران: ۱۶۴.

۲- حجر: ۷۲.

۳- اسماعیل حقی، تفسیر روح البیان: ۴/۴۷۷، دار احیاء التراث العربی بیروت.

۴- بلد: ۱-۲.

۵- توبه: ۲۴.

۶- مفتی محمد شفیع، معارف القرآن: ۴/۳۴، اداره المعارف کراچی.

۷- امام محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری: ۱/۳۰، شماره حدیث: ۱۵.

۷- نساء: ۵۹.

۸- فتح: ۹-۸.

۹- مفتی محمد شفیع، معارف القرآن: ۸/۷۲، اداره المعارف.

۱۰- حجرات: ۱.

۱۱- حجرات: ۲.

۱۲- ابن قیم، اعلام الموقعین: ۱/۴۲، دارالحدیث مصر.

۱۳- حجرات: ۳.

۱۴- مفتی محمد شفیع، معارف القرآن: ۸/۱۰۷، اداره المعارف کراچی.

۱۵- امام محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری: ۲/۸۳۵، کتاب الشروط، باب شرط فی الجهاد.

۱۶- هیشمی، مجمع الزوائد: ۲/۲۷.

۱۷- امام محمد بن اسماعیل، الادب المفرد، باب عیادة المريض، ص: ۱۲۰، دارالفکر بیروت.

۱۸- خطبات حکیم الامت: ۳۱/۱۵۶، اداره تالیفات اشرفیه.

۱۹- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری: ۶/۵۹۱.

۲۰- علامه نووی، شرح صحیح مسلم: ۱/۴۹۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

